

بررسی رابطه اندازه حسابرس و معاملات با اشخاص وابسته با تأخیر در گزارش

حسابرسی

پوریا پورمرادی

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).
pouryapourmoradi0702@gmail.com

مهنا محمدی

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
mohannaaa.mohammadi@gmail.com

چکیده

اطلاعاتی که توسط شرکت‌ها در بازار سرمایه منتشر می‌شود، مورد استفاده بسیاری از تصمیم‌گیرندگان اقتصادی قرار می‌گیرد. به موقع بودن این اطلاعات یکی از جنبه‌های مهم نگرانی استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری می‌باشد و تأخیر حسابرسی بر به موقع بودن اطلاعات حسابداری که کلیدی برای ارتقای اعتماد سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه است، تأثیرگذار است هدف این پژوهش بررسی رابطه معاملات با اشخاص وابسته و تأخیر در گزارش حسابرسی با تأکید بر اندازه حسابرس است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ است. روش پژوهش توصیفی و از نظر ارتباط بین متغیرها همبستگی است و از نظر هدف کاربردی است. برای پردازش و آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیونی و داده‌های تابلویی و همچنین مدل اثرات ثابت استفاده شده است. نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که معاملات با اشخاص وابسته با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد و اندازه حسابرس با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه منفی و معناداری دارد.

واژگان کلیدی: اندازه حسابرس، معاملات با اشخاص وابسته، معاملات با اشخاص وابسته.

مقدمه

اطلاعاتی که توسط شرکت‌ها در بازار سرمایه منتشر می‌شود، مورد استفاده بسیاری از تصمیم‌گیرندگان اقتصادی قرار می‌گیرد (اعتمادی و یارمحمدی، ۱۳۸۲). به موقع بودن این اطلاعات یکی از جنبه‌های مهم نگرانی استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری می‌باشد و تأخیر حسابرسی بر به موقع بودن اطلاعات حسابداری که کلیدی برای ارتقای اعتماد سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه است، تأثیرگذار است (عقیقی، ۲۰۰۹). بنابراین، می‌توان گفت، زمان اعلام گزارش مالی، به عنوان یک عنصر ضروری، بر ارزش صورت‌های مالی تأثیر دارد (کولینان، ۲۰۱۲). به طور عموم انتشار گزارش‌های سالانه قبل از اظهارنظر حسابرس مستقل صورت نمی‌گیرد، بنابراین، هر چه تأخیر گزارش حسابرسی (فاصله بین پایان سال مالی و تاریخ گزارش حسابرسی) کمتر باشد، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به شکلی بهتر و مؤثرتر قادر خواهند بود از اطلاعات منتشر شده آن استفاده نمایند که این موضوع به نوبه خود می‌تواند تأثیر بسزایی بر جذابیت بازارهای مالی و سرمایه داشته باشد.

معاملات با اشخاص وابسته ممکن است موجب استغنائی سهام‌داران، مدیران و سایر کنترل‌کنندگان واحد انتفاعی و ایجاد هزینه برای طرف‌های غیروابسته در این معاملات گردد. این مهم می‌تواند از طریق خرید و فروش دارایی‌ها، کالاها،

خدمات، دریافت وام‌هایی با شرایط مطلوب و با استفاده از دارایی‌های شرکت به‌عنوان تضمین تسهیلات شخصی انجام گیرد که خود باعث انتقال ثروت خواهد بود. معاملاتی که به‌طور عمده به‌صورت مستقیم توسط سهام‌داران عمده، مدیران و اعضای هیئت مدیره انجام می‌گیرد تأثیر منفی بر ارزش شرکت و نقش قابل توجهی در رسوایی‌هایی دارد که منجر به شکست شرکت‌ها و گروه‌های بزرگی از شرکت‌ها می‌شود. هر اندازه معاملات اشخاص وابسته در شرکت بیش‌تر باشد امنیت برای سهام‌داران جزء پایین‌تر بوده و در نتیجه این امر باعث کاهش ارزش سهام شرکت خواهد شد (نخیلی و مویز، ۲۰۱۱). در شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد به‌طور معمول ارزش سهام آن‌ها کاهش می‌یابد. هم‌چنین شواهد نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که مناصب کلیدی مدیریتی به اعضای خانواده رسیده است، از ارزش کم‌تری نسبت به شرکت‌هایی که مدیران مستقل دارند برخوردار می‌باشد. مدیران و کارمندان شرکت‌ها از منافع شرکت برای افزایش سرمایه خود استفاده می‌کنند (شون و رینگرت، ۲۰۰۷).

بعد از تفکیک مدیریت از مالکیت، نیاز به اطلاعات مالی قابل اتکاء و شفاف بشدت افزایش یافته است (بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱). یکی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی برای بهبود قابلیت اتکاء و شفافیت اطلاعات مالی، حسابرسی توسط حسابداران مستقل می‌باشد. اما بدیهی است که کیفیت حسابرسی از یک حسابرس به حسابرس دیگر متفاوت است. بنابراین، کیفیت حسابرسی یکی از مهم‌ترین موضوع‌های مورد مناقشه بین پژوهشگران و قانون‌گذاران می‌باشد. دی‌آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که کیفیت حسابرسی غیر قابل مشاهده و ارزیابی آن هزینه‌بر است. ایشان بیان می‌کنند که باید یک متغیری که ارتباط مستقیم با کیفیت حسابرسی دارد و در عین حال ارزیابی آن هزینه‌بر و زمان‌بر نیست به‌عنوان جایگزینی از کیفیت حسابرسی به‌کار برده شود. دی‌آنجلو (۱۹۸۱) اندازه مؤسسه حسابرسی را به‌عنوان نماینده‌ای از کیفیت حسابرسی مطرح می‌کند. وی معتقد است که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ به علت اینکه: (۱) اگر نتوانند تحریفات بااهمیت در صورت‌های مالی صاحبکارانشان کشف و گزارش کنند منافع زیادی را از دست خواهند داد: (۲) پرسنل مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ تحت آموزش مستمر با کیفیت قرار می‌گیرند و تیم‌های حسابرسی آن‌ها به علت تعدد و تنوع کارهای حسابرسی می‌توانند به‌صورت تخصصی در یک صنعت خاص مورد استفاده قرار گیرند: (۳) حساسیت بالایی نسبت به حفظ شهرت (برند) خود دارند: و (۴) بخاطر تعدد مشتریان خود قدرت چانه‌زنی بالایی دارند و می‌توانند مدیریت صاحبکار را تحت فشار قرار دهند، کیفیت حسابرسی بالایی در مقایسه با مؤسسه‌های حسابرسی کوچک دارند (محمدرضایی و یعقوب‌نژاد، ۱۳۹۶).

براساس نظریه نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته نگرانی را افزایش می‌دهد، چرا که مدیران با انتقال نامناسب ثروت، سود و قابلیت اعتماد صورت‌های مالی را کاهش می‌دهند و موجب کاهش اثر قراردادهای طراحی شده برای کاهش تضاد نمایندگی و در نهایت خسارت سهامداران شرکت‌ها می‌شود که این عوامل باعث افزایش ریسک و کاهش شفافیت گزارشگری مالی و به دنبال آن افزایش تأخیر در گزارش حسابرسی می‌شود. رشد و ادامه فعالیت شرکت‌ها نیازمند منابع مالی است که تأمین این منابع به‌طور معمول با محدودیت همراه است بنابراین برای تداوم فرایند جذب منابع، نحوه استفاده از آن باید به‌گونه‌ای باشد که موجبات ایجاد سهمی مناسبی از ارزش برای تأمین‌کنندگان و استفاده‌کنندگان را فراهم کند. در شرایطی که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ‌تر، انگیزه قوی‌تری برای ارائه حسابرسی با کیفیت بالاتر دارند؛ زیرا علاقه‌مند هستند که شهرت بیشتری در بازار به دست آورند و از آنجا که تعداد صاحب‌کاران‌شان زیاد است، نگران از دست دادن آن‌ها نیست. تصور بر این است که چنین مؤسسه‌هایی به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون‌های مختلف، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند. با افزایش کیفیت حسابرسی، احتمال استفاده از روش‌های قابل تردید و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران کاهش یابد که این موضوع افزایش سطح گزارشگری مالی در شرکت را به دنبال خواهد داشت و در نهایت افزایش سطح گزارشگری مالی منجر به

کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تأخیر در گزارش حسابرسی می‌گردد. توجه به مطالب بیان شده مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که تا چه اندازه، اندازه حسابرسی و معاملات با اشخاص وابسته با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه دارند؟

مبانی نظری پژوهش

عوامل مؤثر بر تأخیر و انتشار گزارش‌های مالی

در جهت نیل به هدف جذب سرمایه‌گذاران، بازار سرمایه باید بتواند اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کند. این اطمینان و اعتماد، جز با وجود یک بازار شفاف و روشن تحقق نخواهد یافت و شفافیت بازار در گرو گزارشگری درست و به‌هنگام شرکت‌های پذیرفته شده در آن بازار است، زیرا به نظر می‌رسد در نتیجه گزارشگری به‌هنگام، معاملات بر مبنای اطلاعات محرمانه کاهش و استفاده از آن روش‌مند می‌کند. به هنگامی یکی از مهم‌ترین اجزاء مربوط بودن است. بیانیه مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران، به‌موقع بودن را در شمار یکی از محدودیت‌های حاکم بر خصوصیت‌های کیفی اطلاعات مالی عنوان کرده است. به‌هنگام بودن اطلاعات نمی‌تواند ویژگی مربوط بودن آن‌ها را تضمین کند، ولی اگر اطلاعات به‌هنگام نباشند، به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانند مربوط باشند. به‌طور کلی عوامل مؤثر بر گزارشگری مالی سالانه را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

گروه اول عواملی هستند که به ویژگی‌ها و خصوصیت‌های شرکت گزارشگر مربوط می‌شوند.

گروه دوم عوامل مربوط به حسابرسی می‌باشند.

در این بخش عوامل مربوط به ویژگی‌ها و خصوصیت‌ها شرکت گزارشگر که باعث تأخیر در گزارشگری سالانه می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته شده است. این عوامل شامل اهرم مالی، اخبار خوب و بد (سودآوری و سود سهام نقدی)، اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی می‌باشد.

اهرم مالی

یکی از عوامل مؤثر بر تأخیر در انتشار صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده، نسبت بالای بدهی می‌باشد. اهرم مالی یکی از عواملی است که بر به‌موقع بودن انتشار بالا بودن نسبت بدهی صورت‌های مالی تأثیرگذار است (مصطفی و شوئیات، ۲۰۱۳). احتمال ناتوانی شرکت در بازپرداخت بدهی و ایفای تعهدات خود را افزایش می‌دهد. در چنین حالتی حسابرسان نگران این هستند که ممکن است شرکت مورد رسیدگی بدهی خود را کمتر از واقع نشان داده باشد. بنابراین حسابرسان برای کاستن میزان مسئولیت خود در مقابل دعاوی مطروحه احتمالی در آینده، روش‌های حسابرسی را به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌کنند که از میزان بدهی‌های ثبت شده از سوی شرکت‌ها اطمینان حاصل کنند. انجام این گونه اقدامات از جانب حسابرسان، موجب طولانی شدن دوره زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ امضاء گزارش، حسابرسی و در نهایت باعث تأخیر در انتشار صورت‌های مالی حسابرسی شده، می‌گردد.

اخبار خوب و بد

مطالعات انجام شده از اوایل سال ۱۹۸۰، جهت بررسی زمان اعلام درآمد، نشان داد که مدیران شرکت‌های بزرگ تمایل دارند که اخبار خوب را زودتر و اخبار بد را با تأخیر انتشار دهند (روی چادهاری و همکاران، ۲۰۱۲). بر این مبنای اولین بار بیور (۱۹۸۶) اشاره کرده است که اخبار بد به دلایلی مانند وجود یک سیستم حسابداری محافظه‌کارانه و یا افزایش مالیات پرداختی با تأخیرتر از اخبار خوب منتشر می‌شوند.

سودآوری

عملکرد یک شرکت تأثیر مهمی بر قیمت اوراق بهادار شرکت دارد و بیانگر مهارت‌های مدیریتی به کار برده شده در شرکت می‌باشد. سودآوری به توانایی شرکت در به‌دست آوردن درآمد و سود اشاره دارد. اگر از دید مالیات بر سود شرکت‌ها به مسأله افزایش در سودآوری نگریسته شود، این انتظار می‌رود که مدیران شرکت‌ها به دلیل اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر، سعی می‌کنند که اخبار مربوط به افزایش در سودآوری (اخبار خوب) را با تأخیر منتشر کنند. شرکت‌های سودده زودتر از شرکت‌های زیان‌ده، عملیات حسابرسی خود را اجرا و تکمیل می‌کنند و تأخیر کمتری دارند (جیندریچوسکا و مکلی، ۲۰۰۵).

اندازه شرکت

اندازه‌ی شرکت دارایی‌های کل شرکت را شامل می‌شود. در پژوهش‌های پیشین به‌طور معمول از دارایی‌های کل برای سنجش تأخیر در انتشار صورت‌های حسابرسی شده استفاده گردیده است. اغلب پژوهش‌های پیشین همبستگی منفی بین تأخیر در انتشار صورت‌های حسابرسی شده و اندازه‌ی شرکت را به اثبات رساندند. این موضوع به‌طور احتمال به دلیل کنترل‌های داخلی قوی و توانایی حسابرسان برای تکمیل کار حسابرسی در زمان مناسب بوده است (اشتون و همکاران، ۲۰۰۷).

حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی بر به‌موقع بودن انتشار صورت‌های مالی تأثیرگذار است. حاکمیت شرکتی مناسب منجر به بهبود ارزیابی مدیران از فعالیت‌ها، ریسک کمتر و ارائه‌ی به‌موقع صورت‌های مالی می‌شود. کاهش تأخیر در مدت زمان گزارشگری یکی از جوانب اعمال یک حاکمیت شرکتی خوب می‌باشد. شرکت‌هایی که سهامداران بیشتری دارند، به‌طور معمول اطلاعات و گزارش‌های مالی خود را با تأخیر کمتری منتشر می‌کنند (عبدل‌سلام و استریت، ۲۰۱۰).

اندازه حسابرسی

با توجه به تعاریف مختلف ارائه شده در بخش کیفیت حسابرسی ملاحظه می‌شود که تعاریف مذکور درجات متفاوتی از ابعاد شایستگی و استقلال در انجام حسابرسی (استقلال واقعی) و همچنین چگونگی درک استفاده‌کنندگان از استقلال آن‌ها را در بر می‌گیرند. اگر چه کیفیت درک شده حسابرسی می‌تواند با کیفیت واقعی حسابرسی مرتبط باشد، اما در صورت لزوم یکسان نیست. بنابراین، از حسن شهرت و مراقبت حرفه‌ای برای حفظ ویژگی‌های واقعی کیفیت حسابرسی و کیفیت درک شده استفاده می‌شود. پس می‌توان گفت حسن شهرت حسابرسی چگونگی درک ذی‌نفعان از اطلاعات مذکور را متأثر می‌سازد و حسن شهرت حسابرسی به درک بازار از شایستگی و بی‌طرفی (استقلال ظاهری) حسابرسی مرتبط می‌شود. این امر توانایی حسابرسی برای افزایش اعتبار صورت‌های مالی (حتی در صورت فقدان اطلاعات با کیفیت) را نمایش می‌دهد (مجتهدزاده و آقایی، ۱۳۸۳).

مهم‌ترین شاخص حسن شهرت حسابرسی، اندازه مؤسسه حسابرسی است. از دیدگاه نظری چندین دلیل برای رابطه مستقیم مورد انتظار بین حسن شهرت حسابرسی و توانایی نظارت حسابرسی وجود دارد. مؤسسه‌های معتبرتر در مقام مقایسه با مؤسسه‌های کم اعتبارتر و کوچک‌تر حسن شهرت بیشتری را وثیقه می‌گذارند و با احتمال کمتری از اشتباه‌های بااهمیت با مخاطره دعوی حقوقی چشم می‌پوشند. مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ به‌طور واضح منابع بیشتری را برای هدایت آزمون‌های حسابرسی دارند. اکثر پژوهش‌های تجربی کیفیت محصول این فرض هستند که حسابرسان بزرگ‌تر

دارای نام تجاری) در مقایسه با حسابرسان کوچک تر (فاقد نام تجاری) توانایی نظارت بیشتری دارند. ذخایر احتیاطی برای صاحب کارانی که حسابرسان صاحب نامی ندارند در مقام مقایسه با حسابرسان صاحب نام (بزرگ و دارای نام تجاری) بیشتر است. دی آنجلو کیفیت حسابرسی را با واژه اعتبار حسابرس تعریف کرده است. او اظهار می دارد که ذی نفعان می توانند از اندازه مؤسسه حسابرسی به عنوان جانشین حسن شهرت حسابرس استفاده نمایند. وی استدلال می کند که اگر به کارگیری صاحب کار خاص در میان صاحب کاران حسابرسی خاص یکسان است، آنگاه حسابرسان بزرگتر که تعداد صاحب کاران بیشتری دارند، در راستای تلاش برای حفظ هر صاحب کار انگیزه کمی برای قصور در افشاء تحریف کشف شده دارند، مطالعات بررسی کننده رابطه اجزای کیفیت سود مشخص می کنند که اگر چه صاحب کاران حسابرسی شده توسط حسابرسان دارای نام تجاری می توانند انگیزه های بیشتری برای مدیریت سود داشته باشند، اما حسابرسان دارای نام تجاری مدیریت سود را محدود می نمایند (حساس یگانه و آذین فر، ۱۳۸۹).

معامله با اشخاص وابسته

معامله با اشخاص وابسته به طور عموم به صورت انتقال منابع، خدمات یا تعهدات بین اشخاص وابسته صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن تعریف می شود. معامله با اشخاص وابسته از ویژگی های معمول واحد تجاری است، به این دلیل بسیاری از شرکت ها فعالیت های خود را از طریق واحدهای فرعی، مشارکت خاص و شرکت های وابسته انجام می دهند. در چنین شرایطی شرکت ها قادر هستند که بر سیاست های مالی و عملیاتی شرکتی که در آن سرمایه گذاری کرده اند از طریق کنترل، کنترل مشترک یا نفوذ قابل ملاحظه تأثیر بگذارند. از آنجا که اشخاص وابسته می توانند معاملات با شرکت انجام دهند که از توان اشخاص غیروابسته خارج است، ارتباط با اشخاص وابسته اثر مهمی بر نتایج و وضعیت مالی واحد تجاری خواهد گذاشت. به علاوه نتایج و وضعیت مالی شرکت به خاطر صرف وجود اشخاص وابسته (حتی اگر معامله ای صورت نگیرد) تحت تأثیر قرار می گیرد (کورلاشیا و تودور، ۲۰۱۱). میتوان گفت که معاملات با اشخاص وابسته و در نتیجه آن امکان بروز رفتار فرصت طلبانه مدیران ناشی از تضاد نمایندگی است. یکی از مفروضات اساسی تئوری نمایندگی این است که مدیریت برای به حداکثر رساندن منافع شخصی خود منابع شرکت را به نفع خود به مصرف می رساند و معاملات با اشخاص وابسته که اغلب به نفع مدیران و به زیان سهامداران می باشد از این محسوب می شود این سوء رفتارهای مدیریت علاوه بر ایجاد اختلال در امر ارزش آفرینی برای سهامداران می تواند امنیت شغلی مدیران را نیز به خطر اندازد. به همین مدیران برای محفوظ ماندن از اثرات سوء این معاملات ممکن است اقدام به تحریف صورتهای مالی نمایند که این مسأله باعث اختلال در امر ارزش آفرینی برای سهامداران می شود چرا که امکان تصمیم گیری آگاهانه را از مالکان به دلیل ارائه اطلاعات تحریف شده سلب می کند (ماتئو و مارکو، ۲۰۱۴).

پیشینه پژوهش

یاری و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی آیین نامه تعیین حق الزحمه خدمات حسابرسی، نوع مؤسسه حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی؛ واکاوی نظریه های قدرت چانه زنی و تلاش حسابرس پرداختند و نتایج حاصل از برآورد رگرسیون چندگانه، موید رعایت شکلی آیین نامه به جای رعایت واقعی است و بین آیین نامه حق الزحمه حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی، رابطه معناداری وجود ندارد لیکن نوع مؤسسه حسابرسی رابطه مزبور را تعدیل می کند. حیدری سورشچانی و جودکی چگنی (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی تأخیر در گزارش حسابرسی؛ مشغله کاری حسابرس و رتبه مؤسسات حسابرسی پرداختند و نتایج فرضیه اول گویای این مطلب است که بین مؤسسات معتمد حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. بعلاوه، مشغله کاری مؤسسات حسابرسی منجر به افزایش تأخیر در

گزارش حسابرس شده است و در نهایت مشغله کاری بر رابطه بین مؤسسات حسابرسی رتبه اول و تأخیر در گزارشات حسابرسی تأثیر دارد.

لاری دشت‌بیاض و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی ویژگی‌های کمیته حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی پرداختند و نتایج پژوهش حاکی از آن است که اندازه و سابقه تشکیل کمیته حسابرسی و وجود اعضای دارای تخصص مالی در کمیته‌های حسابرسی با کاهش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی همراه است؛ ولیکن استقلال کمیته حسابرسی و تجربه اعضای کمیته حسابرسی موجب افزایش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی می‌گردد.

سلطانا و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی پرداخته‌اند. آن‌ها دریافتند که بین تخصص مالی کمیته حسابرسی، تجربه قبلی در کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی با تأخیر گزارش حسابرسی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. همچنین آن‌ها شواهدی مبنی بر ارتباط بین تأخیر گزارش حسابرسی با تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی و فراوانی جلسات به دست نیاوردند. برپوزا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی روش‌های مختلف را برای پیش‌بینی درماندگی مالی یک سال قبل از وقوع مورد ارزیابی قرار داده و نتایج را با روش‌های تحلیل ممیزی خطی، رگرسیون لجستیک و شبکه عصبی مورد مقایسه قرار داده‌اند. نتایج نشان‌دهنده بهبود حدودی ۱۰ درصدی دقت تشخیص در مقایسه با روش‌های سنتی می‌باشد. نتایج نشان‌دهنده پایین‌تر بودن دقت ماشین بردار پشتیبان نسبت به سایر مدل‌ها می‌باشد. در بخش بعدی به مطالعات منتشر شده در داخل کشور پرداخته خواهد شد.

احمد و عبدین (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین تخصص حسابرس در صنعت و تأخیر در گزارش حسابرسی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اندازه شرکت، اهرم، سودآوری، اندازه مؤسسه حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی تأخیر در گزارش حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند اما رابطه‌ی معناداری بین تأخیر در گزارش حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت وجود ندارد.

مارتوا و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت در اندونزی پرداختند. نتایج نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته تأثیر مثبتی بر ارزش شرکت‌ها دارد.

کیم و یو (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر مخارج تحقیق و توسعه و همچنین بر رابطه بین مخارج تحقیق و توسعه و ارزش شرکت پرداختند. نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته بر سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و در نهایت ارزش شرکت تأثیر منفی می‌گذارد.

فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و همچنین به‌منظور دست‌یابی به اهداف پژوهش، فرضیه‌های ذیل ارائه می‌گردد.

فرضیه اول: معاملات با اشخاص وابسته با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه معناداری دارد.

فرضیه دوم: اندازه حسابرس با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه معناداری دارد.

الگوی پژوهش

الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چندمتغیره است. بنابراین، مدل زیر برای انجام آزمون فرضیه‌ها انتخاب شده است:

معادله (۱):

$$\varepsilon_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_t + \beta_1 \text{TR}_{it} + \text{ARL}_{it} = \beta_0$$

معادله (۲):

$$\varepsilon_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_1 AS_{it} + ARL_{it} = \beta_0$$

که در معادله‌های فوق به ترتیب:

ARL: شاخص تأخیر در گزارش حسابرسی شرکت i در سال t ؛

AS: شاخص اندازه حسابرس شرکت i در سال t ؛

TR: شاخص معاملات با اشخاص وابسته شرکت i در سال t ؛

SIZE: اندازه شرکت شرکت i در سال t ؛

LEV: اهرم مالی شرکت i در سال t ؛

نحوه اندازه‌گیری متغیرها به شرح جدول (۱) است:

جدول (۱): نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نوع متغیر	نحوه اندازه‌گیری
اندازه حسابرس	تعدیل‌گر	متغیر موهومی صفر و یک
معاملات با اشخاص وابسته	مستقل	نسبت جمع کل معاملات با اشخاص وابسته بر کل دارایی‌های اول دور
تأخیر در گزارش حسابرسی	وابسته	فاصله زمانی بین پایان سال مالی شرکت و تاریخ گزارش حسابرسی. هر چه تاریخ گزارش حسابرسی به پایان سال مالی نزدیکتر باشد میزان تأخیر در گزارش حسابرسی کمتر است.
اندازه شرکت	کنترلی	Ln (تعداد سهام \times قیمت سهام)
اهرم مالی	کنترلی	کل دارایی‌ها/بدهی جاری

روش شناسی پژوهش

با توجه به این که داده‌ها مربوط به اطلاعات شرکت‌های واقعی بوده و نتایج آن می‌تواند راه‌گشای تصمیم‌های فعالان بازار سرمایه قرار گیرد از این رو پژوهش کاربردی محسوب می‌گردد. از طرف دیگر به دلیل این که رابطه علی و معلولی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، لذا از لحاظ انجام، علی پس از وقوع است. از لحاظ نحوه اجرا توصیفی و از لحاظ ارتباط بین متغیرها از نوع همبستگی است. و از نوع جمع‌آوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های کمی و از لحاظ زمان اجرا گذشته‌نگر و همچنین منطق اجرا استقرایی می‌باشد. مقیاس اندازه‌گیری داده‌های جمع‌آوری شده، مقیاس نسبی است. مقیاس نسبی دارای کلیه ویژگی‌های مقیاس‌های فاصله‌ای، ترتیبی و اسمی است. مقیاس نسبی، دقیق‌ترین مقیاس اندازه‌گیری است. این مقیاس دارای ارزش صفر حقیقی می‌باشد. یعنی نقطه‌ای در مقیاس که نمایانگر فقدان کامل ویژگی مورد اندازه‌گیری است.

جامعه پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ که بالغ بر ۷۱۹ شرکت است، در نظر گرفته شده است. در این پژوهش از حذف سیستماتیک جهت انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است.

با توجه به محدودیت‌ها ۱۵۲ شرکت به عنوان نمونه‌ی پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.

به‌طور کلی اطلاعات و داده‌های این پژوهش با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و اسناد سازمانی گردآوری شده است.

یافته‌های پژوهش

توصیف اطلاعات گردآوری شده یکی از فرآیندهای پژوهش در بخش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش است که گزارش آنها در پژوهش، مهم است. داده‌های پژوهش با استفاده از منابع اطلاعاتی دست دوم گردآوری و دسته‌بندی شده است. توصیف اطلاعات و داده‌های آماری با توجه به مقیاس‌های اندازه‌گیری انتخاب می‌گردد. بنابراین در این بخش در مورد ویژگی‌های نمونه آماری و شاخص‌های مربوط به صورت‌های مالی اعضای نمونه آماری بحث و بررسی صورت گرفته است که در ادامه به آنها در دو بخش جداگانه پرداخته شده است. به‌طور کلی، روش‌هایی را که به‌وسیله آنها می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می‌نامند. لازم به ذکر است که پس از حذف داده‌های پرت و مرتب‌سازی داده‌ها، تعداد شرکت-سال‌های متغیرهای پژوهش با اندکی کاهش مواجه شده است.

جدول (۲): شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش	نماد	تعداد سال - شرکت	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
اندازه حسابرسی	AS	۷۶۰	۰/۲۵۹	۰/۲۴۷	۰/۱۹۹	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
تأخیر در گزارش حسابرسی	ARL	۷۶۰	۷۱/۱۳	۷۳	۲۰/۱۸	۱۲۵	۲۱
معاملات با اشخاص وابسته	TR	۷۶۰	۰/۱۲۶	۰/۱۳۷	۰/۰۹۵	۰/۴۵۱	۰/۰۱۷
اندازه شرکت	SIZE	۷۶۰	۱۲/۲۷	۱۲/۱۶	۱/۵۳۷	۱۷/۰۸	۷/۱۹۷
اهرم مالی	LEV	۷۶۰	۰/۴۲۹	۰/۴۱۰	۰/۱۸۹	۰/۸۱۷	۰/۱۰۳

در مطالعه حاضر روش برآورد مدل براساس داده‌های تابلویی است. این روش تلفیقی از اطلاعات سری زمانی (۱۳۹۷-۱۴۰۱) و داده‌های مقطعی ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار) می‌باشد. تمامی ارقام محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای مدل بر حسب میلیون ریال می‌باشد. برنامه‌ی نرم‌افزاری مورد استفاده در این پژوهش، برنامه نرم‌افزاری SPSS می‌باشد. مدل‌های برآورد شده با توجه به فرضیه‌های ارائه شده به صورت مدل رگرسیون چندمتغیره ارائه شده‌اند.

تعیین نوع آزمون و روش تجزیه و تحلیل

برای تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آنها از آزمون چاو و آماره F لیمر استفاده شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون چاو، جهت تشخیص همگن یا ناهمگن بودن مقاطع

آزمون مدل	F	احتمال آماره F	نتیجه آزمون چاو
مدل اول	۱۵/۳۲۴	۰/۰۰۰۰	H_0 رد می‌شود.
مدل دوم	۱۳/۹۶۲	۰/۰۰۰۰	H_0 رد می‌شود.

همان‌گونه که در جدول (۳)، دیده می‌شود، نتیجه آزمون چاو، نشان می‌دهد که احتمال به‌دست آمده برای آماره F در مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین برای آزمون این مدل، داده‌ها به‌صورت تابلویی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آزمون هاسمن

در این آزمون از آماره چای دو با K درجه آزادی استفاده می‌شود اگر چای دو بدست آمده از مقدار جدول بیشتر بود، فرضیه H_0 مبنی بر تصادفی بودن رد می‌شود و فرضیه آثار ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن، جهت تشخیص استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی

آزمون مدل	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه آزمون
مدل اول	۲۹/۷۶۰	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
مدل دوم	۳۲/۱۰۴	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

طبق نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل اول و دوم پژوهش، با توجه به اینکه در ازاء خطای ۵ درصد میزان آماره هاسمن برای مدل اول و دوم به ترتیب (۲۹/۷۶۰ و ۳۲/۱۰۴) شده است و از طرفی میزان سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است، لذا H_0 رد می‌شود. رد H_0 نشان می‌دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می‌باشد و بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود.

فرضیه‌های پژوهش

از مدل اول برای آزمون فرضیه اول به شرح زیر استفاده می‌گردد:

معاملات با اشخاص وابسته با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه معناداری دارد.

مدل رگرسیونی برای فرضیه اول به شرح زیر است:

$$\varepsilon_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_1 \text{TR}_{it} + \text{ARL}_{it} = \beta_0$$

نتایج حاصل از آزمون به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه اول

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	C	۰/۳۷۴	۰/۱۸۰	۲/۰۷۱	۰/۰۰۰۱
معاملات با اشخاص وابسته	β_1 (TR)	۰/۵۶۰	۰/۱۹۵	۲/۸۷۲	۰/۰۰۱۰
اندازه شرکت	β_2 (SIZE)	۰/۱۳۶	۰/۰۴۸	۲/۷۸۵	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	β_3 (LEV)	۰/۱۵۳	۰/۰۴۹	۳/۰۹۵	۰/۰۰۶۱
آماره F		۱۷/۳۰۹			
سطح معناداری (Prob.)		(۰/۰۰۰)			
آماره دوربین واتسون		۱/۹۶۶			
ضریب تعیین (R2)		۰/۷۴۹			
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)		۰/۷۲۱			

با توجه به نتایج آزمون مدل اول پژوهش، سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطا بوده و کل مدل رگرسیونی معنادار است. آماره دوربین واتسون (۱/۹۶۶) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 نتایج آزمون نشان می‌دهد معاملات با اشخاص وابسته با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین H_0 پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_2 نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اندازه شرکت با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد و سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_3 نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اهرم مالی با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته‌اند ۷۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

از مدل دوم برای آزمون فرضیه دوم به شرح زیر استفاده می‌گردد:

اندازه حسابرسی با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه معناداری دارد.

مدل رگرسیونی برای فرضیه دوم به شرح زیر است:

$$\varepsilon_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_1 \text{AR}_{it} + \text{ARL}_{it} = \beta_0$$

نتایج حاصل از آزمون به شرح جدول (۶) زیر می باشد:

جدول (۶): نتایج آزمون فرضیه دوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	C	۰/۴۶۲	۰/۱۵۱	۳/۰۴۸	۰/۰۰۰۰
اندازه حسابرس	$\beta_1(\text{AR})$	-۰/۶۹۵	۰/۱۶۳	-۴/۲۶۴	۰/۰۰۱۳
اندازه شرکت	$\beta_2(\text{SIZE})$	۰/۱۴۳	۰/۰۴۸	۲/۹۶۱	۰/۰۰۶۷
اهرم مالی	$\beta_3(\text{LEV})$	۰/۲۰۸	۰/۱۱۱	۱/۸۶۴	۰/۰۲۹۴
آماره F		۲۴/۱۰۶			
سطح معناداری (Prob.)		(۰/۰۰۰۰)			
آماره دوربین واتسون		۲/۱۰۳			
ضریب تعیین (R2)		۰/۵۷۴			
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)		۰/۵۶۳			

با توجه به نتایج آزمون مدل دوم پژوهش، سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطا بوده و کل مدل رگرسیونی معنادار است. آماره دوربین واتسون (۲/۱۰۳) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 نتایج آزمون نشان می دهد اندازه حسابرس با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه منفی و معناداری دارد. بنابراین H_0 پژوهش را می توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_2 نتایج آزمون نشان می دهد متغیر کنترلی اندازه شرکت با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد و سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_3 نتایج آزمون نشان می دهد متغیر کنترلی اهرم مالی با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته اند ۵۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

نتیجه گیری کلی

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه معاملات با اشخاص وابسته و تأخیر در گزارش حسابرسی با تأکید بر اندازه حسابرس در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ است. تأثیر متغیرها با استفاده از داده های تابلویی و روش اثرات ثابت در شرکت ها بررسی شده است. نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که معاملات با اشخاص وابسته با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد. در تفسیر این نتیجه بیان نمود که براساس نظریه نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته نگرانی را افزایش می دهد، چرا که مدیران با انتقال نامناسب ثروت، سود و قابلیت اعتماد صورت های مالی را کاهش می دهند و موجب کاهش اثر قراردادهای طراحی شده برای کاهش تضاد نمایندگی و در نهایت خسارت سهامداران شرکت ها می شود که این عوامل باعث افزایش ریسک و کاهش عملکرد می شود. براساس نظریه نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته نگرانی را افزایش می دهد، چرا که مدیران با انتقال نامناسب ثروت، سود و قابلیت اعتماد صورت های مالی را کاهش می دهند و موجب کاهش اثر قراردادهای طراحی شده برای کاهش تضاد نمایندگی و در نهایت خسارت سهامداران شرکت ها می شود که این عوامل باعث افزایش ریسک و کاهش شفافیت گزارشگری مالی و به دنبال آن افزایش تأخیر در گزارش حسابرسی می شود.

اندازه حسابرس با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه منفی و معناداری دارد. در تبیین این نتیجه می‌توان بیان نمود که رشد و ادامه فعالیت شرکت‌ها نیازمند منابع مالی است که تأمین این منابع به‌طور معمول با محدودیت همراه است بنابراین برای تداوم فرایند جذب منابع، نحوه استفاده از آن باید به‌گونه‌ای باشد که موجبات ایجاد سهمی مناسبی از ارزش برای تأمین‌کنندگان و استفاده‌کنندگان را فراهم کند. در شرایطی که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگتر، انگیزه قوی‌تری برای ارائه حسابرسی با کیفیت بالاتر دارند؛ زیرا علاقه‌مند هستند که شهرت بیشتری در بازار به دست آورند و از آنجا که تعداد صاحب‌کارانشان زیاد است، نگران از دست دادن آن‌ها نیست. تصور بر این است که چنین مؤسسه‌هایی به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون‌های مختلف، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند. با افزایش کیفیت حسابرسی، احتمال استفاده از روش‌های قابل تردید و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران کاهش یابد که این موضوع افزایش سطح گزارشگری مالی در شرکت را به دنبال خواهد داشت و در نهایت افزایش سطح گزارشگری مالی منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تأخیر در گزارش حسابرسی می‌گردد.

منابع

- ✓ استانداردهای حسابداری ایران، (۱۳۹۲)، نشریه ۸۶ سازمان حسابرسی.
- ✓ استاندارد حسابداری ایران، (۱۳۹۸)، استاندارد معاملات با اشخاص وابسته - کمیته تدوین استاندارد ایران، سازمان حسابرسی.
- ✓ اشرفزاده، سیدحمیدرضا، مهرگان، نادر، (۱۳۸۷)، اقتصادسنجی پانل دیتا، انتشارات دانشگاه تهران.
- ✓ اعتمادی، حسین، آذر، عادل، ناظمی اردکانی، مهدی، (۱۳۸۹)، بررسی نقش تخصص حسابرس در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد عملیاتی آتی، مجله دانش حسابداری، دوره ۱، شماره ۱، صص ۹-۲۸.
- ✓ اعتمادی، حسین، یارمحمدی، اکرم، (۱۳۸۲)، بررسی عوامل مؤثر بر گزارشگری مالی میان دوره‌ی به موقع در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۸۷-۹۹.
- ✓ برداران حسن‌زاده، رسول، بادآور نهندی، یونس، اسماعیلی، سمیه، (۱۳۹۳)، تأثیر ساختار مالکیت بر کیفیت حسابرسی، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۹۹-۱۱۵.
- ✓ پورحیدری، امید، برهانی‌نژاد، سعیده، محمدرضا خانی، وحید، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر به‌موقع بودن گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال ۱۵، شماره ۵۸، صص ۸۵-۱۰۴.
- ✓ جهانخانی، علی، پارسائیان، علی، (۱۳۸۹)، مدیریت مالی، انتشارات سمت، تهران.
- ✓ حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت.
- ✓ حساس‌یگانه، یحیی، آذین‌فر، کاوه، (۱۳۸۹)، رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، صص ۱-۱۷.
- ✓ حساس‌یگانه، یحیی، رئیسی، زهره، حسینی، سیدمجتبی، (۱۳۹۱)، رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۷۵-۱۰۰.
- ✓ حیدری سورشجانی، زهرا، جودکی چگنی، زهرا، (۱۴۰۱)، تأخیر در گزارش حسابرسی: مشغله کاری حسابرس و رتبه موسسات حسابرسی، مجله دانش حسابداری مالی، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۱۴-۱۳۲.

- ✓ خاکی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، روش تحقیق با رویکردی بر پایان نامه نویسی، تهران: نشر بازتاب، چاپ اول.
- ✓ دلاور، علی، (۱۳۸۶)، روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، انتشارات ویرایش، تهران.
- ✓ رحمتی، سلمان، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه اندازه، دوره تصدی و تخصص حسابرس در صنعت با نقدشوندگی سهام، نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی.
- ✓ رحیمیان، نظام‌الدین، رضاپور، نرگس، اختری، حسن، (۱۳۹۰)، نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابرسی، دوره ۱۱، شماره ۴۵، صص ۶۸-۸۱.
- ✓ سجادی، سیدحسین، عربی، مهدی، (۱۳۸۹)، تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود، فصلنامه حسابدار رسمی، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۱۰۴-۱۰۸.
- ✓ سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه، (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگه، تهران.
- ✓ شعری، صابر، حمیدی، الهام، (۱۳۹۱)، شناسایی انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۲، شماره ۶، صص ۴۹-۶۷.
- ✓ صالحی، اله‌کرم، بزرگ‌مهریان، شاهرخ، امینی، امین، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر پایداری سود، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۴۷-۶۰.
- ✓ عرب‌صالحی، مهدی، (۱۳۹۰)، بررسی رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی از دیدگاه قرارداد روانی و تعهدات عاطفی سازمانی، فصلنامه دانش حسابداری، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۲۷-۱۴۷.
- ✓ عزتی، مرتضی، داورزنی، زهره، (۱۳۷۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- ✓ علوی‌طبری، حسین، عارف‌منش، زهره، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه تخصص صنعت حسابرس و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، دوره چهارم، شماره ۱۴، صص ۷۹-۹۵.
- ✓ فرید، داریوش، بردبار، غلامرضا، منصوری، حسین، (۱۳۸۸)، سنجش کارایی شکل ضعیف بورس اوراق بهادار در تعیین قیمت سهام، فصلنامه صنعت بیمه، دوره سوم، شماره چهارم، صص ۲۵-۴۹.
- ✓ Ameer, R. (2010). The role of institutional investors in the inventory and cash management practices of firms in Asia. *J. of Multi. Fin. Manag*, Vol 20: 126-143.
- ✓ Baker, M. & Wurgler, J. (2006). Investor Sentiment and the Cross- Section of Stock Returns", *Journal of Finance*, Vol. 61, PP. 164-168.
- ✓ Ball, R. (2012). Earnings Quality in UK Private Firms: Comparative Loss Recognition Timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 39, Pp. 83-105.
- ✓ Beckmann, D., Menkhoff, L. (2008). Willwomen bewomen? Analyzing the gender difference among financial experts. *Kyklos*, 61(3), 364-384.
- ✓ Ben Aissia, Dorsaf, (2016). Home and Foreign Investor Sentiment and The Stock Returns, *The Quarterly Review of Economics and Finance*, Vol. 59, Issue C, PP. 71-77.
- ✓ Bilimoria, D. (2000). Building the business case for women corporate directors. In R.J. Burke and M.C. Mattis (Eds.), *Women on corporate boards of directors: International challenges and opportunities* (pp. 25-40). Dordrecht, The Netherlands: Kluwer Academic Publishers.
- ✓ Chan, K., Chan, L., Jegadeesh, N. & Lakonishok, J. (2013). Earnings quality and Stock Returns, *Journal of business*, forthcoming.
- ✓ Chen, Y., Eshleman, J., Soileau, J. (2016). Board gender diversity and internal control weaknesses. *Advances in Accounting*, 32, 1-9.